



دوشنبه ۷ آبان ۱۴۰۳ | ۱۶ صفحه | ۱۰ هزار تومان | سال سوم | شماره ۶۳۴
www.hammihaonline.ir



تنش در مدار ۳۸ درجه

درباره سیاست‌های کیم جونگ اون که تقابل در شبه جزیره کره را پس از ۳ دهه شدت داده است



رکورد شکنی پی در پی گرما

بررسی داده‌های آخرین گزارش‌های بین‌المللی درباره وضعیت دمای هوا



عشق با ثبات در روزگار بی ثبات

گفتاری از کاوه بهبهانی درباره راه‌های ماندگاری روابط در جامعه نمایشی



خوشبینی به پول بریکس؟

کارشناسان می‌گویند جایگزینی دلار هم بدون اف‌ای تی اف شدنی نیست

مقام معظم رهبری با اشاره به حمله اخیر اسرائیل به خاک ایران و چگونگی مواجهه با آن:

نه بزرگ نمایی کنیم، نه کوچک انگاری

کیفیت کار را باید مسئولان ما به درستی تشخیص و آنچه به صلاح این کشور و ملت است، انجام دهند



دو طرف جنگ مستقیم نمی‌خواهند

گفت و گو با کورش احمدی و یادداشت‌هایی از تحلیلگران بین‌المللی درباره چشم‌انداز تنش



گزارش
دیپلماسی
۶-۷

قاطع، منطقی و مسئولانه

ارزیابی سخنرانی دیروز رهبری درباره حمله اسرائیل با گفتارهایی از: غلامعلی رجایی، مجید یونسیان و ناصر ایمانی



تحلیل
گفتار
۲-۳

هشدار درباره جنگ تمام عیار

بررسی بیانیه جبهه اصلاحات درباره حمله اسرائیل در گفت و گو با: صادق نوروزی و رسول منتجب‌نیا



گزارش
سیاست
۴-۵

مردان بی‌ادعا مردان پرمدها



علی ورامینی
دبیر گروه فرهنگ

همان لحظه که پدر استوار یکم محمد مهدی شاهرخی فر در شوک از دست دادن فرزندش، بر سینه می‌گردد و می‌گوید «تک‌جانش، تک‌تکه شده است»، دقیقاً همان لحظه، مجری و کارشناس شبکه‌ی یک سیمای ملی، حمله‌ی شب گذشته رژیم صهیونیستی را به یاد استپه‌زاه گرفته‌اند و نمی‌توانند جلوی خنده‌شان را بگیرند. یکی از آن‌ها خطاب به حمله‌کنندگان با تمسخر می‌گوید که «تأثیرگذار بوده»، بود آقای کارشناس، خیلی جدی هم تأثیرگذار بود. حداقل برای چهار دلاوری که مثل شما طلوع صبح را دیگر ندیدند خیلی تأثیرگذار بود، و برای خانواده‌ها و عزیزان‌شان که دیگر آن‌ها را نمی‌بینند و برای همه‌ی مردمی که جوانان این سرزمین را دوست می‌دارند و جان همه‌ی مردم را عزیز می‌شمارند. بعید است خانواده‌های دو شهید عزیز وقتی که اهالی صداوسیما مشغول خندیدن و تمسخر جنگ بودند آن‌ها را دیده باشند. آن‌ها از هول دردی که به جان‌شان افتاده است به کوچکی‌های شهر آمده بودند و میان تاله و گریه اقوام و آشنایان غرق شده بودند. ۱۶



نگاه
هم‌میهن

کورش فراتر از هفتم آبان

درباره یادکردی که امسال فرخنده‌تر و بایسته‌تر است



مهرداد خدیبر
معاون سردبیر



تاریخ
سیاست

نوفل شاتو شاهد بوده برخی آمده بودند تا با امام خمینی به عنوان خلیفه مسلمین بیعت کنند اما ایشان بر همان جمهوری اسلامی تأکید ورزیده است. با همه این احوال ملیت و ملی‌گرایی در دهه اول جمهوری اسلامی چنان رنگ باخت که در عنوان هیچ‌یک از نهادهای تازه تأسیس واژه «ایران» لحاظ نشده و به طریق اولی به شخصیت کورش نگاه مثبت وجود نداشت. این در حالی بود که علامه طباطبایی در تفسیر «المیزان» تا حد زیادی بر نظر مولانا ابوالکلام آزاد صحه می‌گذارد که مراد قرآن کریم از «ذوالقرنین» همان کورش است یا می‌تواند کورش باشد. این گونه بود که خانواده‌های ایرانی در سال‌های نخستین بعد از انقلاب نام کورش را کمتر بر فرزندان خود می‌نهادند تا مبادا در بزرگسالی متهم به انتساب به خانواده‌ای طاغوتی شوند و این بدگمانی بیشتر ریشه در جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی و جمله‌مشهور محمدرضا شاه پهلوی داشت که در ۲۰ مهر ۱۳۵۰ و در آرامگاه او در پاسارگاد گفته بود: «کورش! آسوده خواب که ما می‌داریم». اما این گناه کورش هخامنشی نبود و نباید مخالفان پادشاهی در ۲۵۰۰ سال بعد او را مقصر می‌دانستند که این که پادشاه اردن نسب خود را به پیامبر اسلام می‌برد و پادشاه عربستان سعودی هم از خود با عنوان خادم الحرمین یاد می‌کند. رژیم پهلوی به جای ملی‌گرایی اتفاقاً باستان‌گرایی را ترویج می‌داد و اگر ملی‌گرایی بود آن قدر با هواداران دکتر مصدق سر عناد نداشت، به هر رو اشتها پهلوی به گفتار باستان‌گرایی با نماد کورش سبب شد دیگر گفتارها با «کورش» بر سر مهر نباشند یا در رواج آن نگویند. گفتارهای رایج در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ خورشیدی که در مقابل باستان‌گرایی و در واقع کوروش‌شیم عصر پهلوی صف آرستند اینها بودند: اسلام انقلابی با نماد دکتر علی شریعتی، اسلام با اختلاط یا التقاط یا مارکسیسم با نماد مجاهدین خلق، ملی‌گرایی با نماد دکتر مصدق، ملی‌مذهبی‌ها با چهره‌هایی چون مهندس بازرگان، روشن‌فکران عرفی و مدرنیست‌ها و توسعه‌گرایان و همچنین مارکسیست‌ها و نهایتاً اسلام‌سنستی در حالی که کورش در قالب هیچ‌یک نمی‌گنجد جز آن که دستگاه تبلیغات پهلوی آن را به شکلی ناگهانی و اگر اندیسمان شده روح می‌داد. در ذهن انقلابیون ولو انترناسیونالیست و فرامرزی نبودند هم کورش به عنوان نماد فرهنگی رژیم شناخته می‌شد. ۱۵



هفتم آبان به عنوان «روز کورش» نام‌گذاری شده و به نظر می‌رسد امسال حساسیت‌ها و تصور تقابل آن به عنوان نماد ملیت با اسلامیت و دیانت به پررنگی سال‌های قبل نباشد چندان که گویا به مجریان صداوسیما هم اجازه داده‌اند نام کورش را بر زبان بیاورند و از هفتم آبان بگویند. نخست این توضیح فرمال که شکل نوشتاری «کورش» در سال‌های بعد از انقلاب به «کوروش» تغییر یافته تا تلفظ آن آسان‌تر باشد و به‌رغم عادت نسل ما به زبان‌نگاره قبلی به شکل رایج (کوروش) خواهیم نوشت، تفاوت امسال با سال‌های پیش را در دور خداداد باید جست. یکی ادعای شورای همکاری خلیج فارس درباره جزایر سه‌گانه که به صورتی بی‌سابقه به اتحادیه اروپا پشت گرم شده اند (هر چند اروپایی‌ها به خاطر ناخرسندی از نزدیک شدن ایران به روسیه خواسته‌اند به گمان خود تنبیه کنند) و دیگری حمله باامداد شنبه ۵ آبان اسرائیل به مراکز راداری ایران که احساسات ناسیونالیستی ایرانیان را برانگیخته و اتفاق نظری بین مردم و دست‌درکاران بر سر سرزمین را موجب شده با ضروری ساخته است. برپایی حکومتی ایدئولوژیک بعد از انقلابی که نافی ملیت و علائق ملی نبود و ترجیح اسلامیت بر جنبه‌های ملی به‌رغم آن که ایدئولوگ جمهوری اسلامی کتاب «خدمات متقابل اسلام و ایران» را نوشته سبب بی‌مهری به ملیت در سال‌های بعد از انقلاب شد و این روند خاصه از آنجا فرونی گرفت که در پی اختلاف ملیون با مذهبی‌ها در درون حاکمیت و تقابل آنان با جمهوری اسلامی رهبری فقید انقلاب از سر خشم از اعلامیه جبهه ملی ایران درباره فساد و رفتار اولین رئیس جمهوری ملیت را خلاف اسلام دانستند. مراد امام خمینی البته افراط در ملی‌گرایی و در تقابل با اسلام بود و هرگز هم او یک‌سال قبل در آغاز جنگ عراق علیه ایران و در نخستین روزهای مهر ۱۳۵۹ و در اولین اعلامیه مکتوب درباره جنگ چند مرتبه واژه «میهن» و «میهن» را به کار برده بود و سال قبل از آن با کاندیداتوری جلال‌الدین فارسی به اعتبار افشای تباری پدر که به منزله ایرانی‌تبار نبودن خود او بود مخالفت ورزیده بود. یا نقل می‌کنند که شخص آیت‌الله خمینی مخالف ورود نیروهای ایران به خاک عراق بعد از بازپس‌گیری بندر خرمشهر در سوم مرداد ۱۳۶۰ بوده حال آن که اگر به مرزهای جغرافیایی باور نداشت آن مخالفت ابراز نمی‌شد. با سیدمحمد خاتمی رئیس‌جمهوری پیشین نقل کرده که در

انقلابی یا آنارشیت؟

میان انقلابی با آنارشیتی مرز روشنی وجود دارد. مرزی که به‌راحتی از سوی عده‌ای آنارشیت یا پویش انقلابی نقض می‌شود. نمونه روشن آن را در واکنش به حمله اخیر رژیم صهیونیستی به میهن می‌توان دید. پس از این حمله یکی از مقامات دولت سیزدهم آن را چنین توصیف کرد: «باز هم به چهارشنبه‌سوری نظام‌آباد و فلاح». در واقع، جنابیتی که به چندین نقطه و محل نظامی کشور حمله شده و تاکنون شهادت ۴ نظامی کشور رسماً اعلام شده است را کمتر از چهارشنبه‌سوری در محلات تهران معرفی کرده است. حتماً این‌ها قرار بوده که با این تصور خود از کشور دفاع کنند و فقط حمله‌ی را با آرزو توجه کردن می‌دانند که کل شهر را ویران کند. این سوسه تقریبی ماجرا بود. در سوسه افراطی نیز فلان مجری طرفدار تندروها، فوری دست‌تور پاسخ نظامی را صادر، و حتی زمان و نتایج آن را هم اعلام کرد. یا آن دیگری ضمن اعلام خطر به اسرائیل که منتظر باشید، تهدید جدیدی را مطرح می‌کند که تمام خاک اروپا هم در تیررس موشک‌های هلیکوپترسویک ما قرار دارند. این رویکردها دو روی یک سکه هستند. یکی از فرط بی‌نمکی و دیگری از فرط شورشی‌نوی ذوق می‌زنند. در مقابل، سخنان مقام رهبری در دیدار با خانواده شهدای امنیت پاسخ روشنی به این نگاه‌های افراطی و تقریبی است. درباره ابعاد حمله اظهار داشتند که: «خودشان (اسرائیلی‌ها) با اهداف خاص بزرگ‌نمایی می‌کنند؛ اما کوچک‌انگاری آن و اینکه بگوئیم چیزی نبوده و اهمیتی نداشت هم غلط است.» ۱۴



سرمقاله